

An Investigation on Writing Quality of Elementary School Students: An Evaluating Study

Heshmatollah Nazari*
Ebrahim Talae**
Javad Hatami***
Mihsen Imani Naeeni****
Abdolzahra Timas*****

Introduction

The present study was aimed to evaluate the quality of writing in elementary school students. The statistical population in the study was male students of the upper elementary school in Tehran in the academic year 2020 to 2021, that among them 107 samples including three classes (2 classes of 35 students + 1 class of 27 students) were selected based on available sampling technique. To collect data a researcher-made writing rubric was used and data central and dispersion indices were applied to analyze.

Method

The research design was of the type of evaluative investigations. In this type of research, researcher want to evaluate a product or concept and collect data that helps improve his/her solution.

Results

The results showed that the average writing score of upper elementary students, including 4th, 5th, and 6th grade, is lower than relative mastery and is limited and somewhat weak ($M = 12.65$).

* Ph. D in instructional technology, University of Tarbiat Modares, Tehran, Iran.

** Assistant Professor, University of Tarbiat Modares, Tehran, Iran. *Corresponding Author:*
e.talae@modares.ac.ir

*** Professor, University of Tarbiat Modares, Thran, Iran.

**** Associate Professor, University of Tarbiat Modares, Thran, Iran.

***** Ph. D in educational management, school district 4, Ahvaz, Iran.

Discussion

It can be concluded that students' writing is as weak as their reading and perhaps the imperfection is rooted in their reading weakness. As a suggestion, it would be better to teach writing, apart from the psychological approach toward teaching, using other approaches and paradigms such as cultural-social approach and the following theories as for example activity theory. Also, it is suggested that the learning environment design based on such approaches.

Keywords: writing, writing rubric, elementary school, evaluating research



Author Contributions: In the present study, the second author supervised and strategically undertook the general process of the research and compiled and finalized the amendments to the article. The first author is in charge of compiling the research plan, the process of collecting, analyzing and interpreting the findings and writing the text of the article. And the fifth was done.

Acknowledgments: The present study would not have been possible without the cooperation of the participants; We would like to thank all the participants.

Conflict of interest: The authors acknowledge that there is no conflict of interest in this article.

Funding: The present study has not received financial support from any institution and all costs during the research process have been borne by researchers.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۲۳
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۱۸

مجله‌ی علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز
بهار و تابستان ۱۴۰۲، دوره‌ی ششم، سال ۳۰
شماره‌ی ۱، صص: ۱-۲۰

مقاله پژوهشی

مطالعه‌ی کیفیت مهارت نوشتن دانش‌آموزان ابتدایی: یک مطالعه‌ی ارزیابانه

حشمت اله نظری*

ابراهیم طلایی**

جواد حاتمی***

محسن ایمانی نائینی****

عبدالزهرای تیماس*****

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی کیفیت مهارت نوشتن دانش‌آموزان ابتدایی انجام گرفت. جامعه آماری در این پژوهش ارزیابانه، دانش‌آموزان پسر دوره‌ی دوم دبستان شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹، و نمونه مورد مطالعه، شامل سه کلاس (دو کلاس ۳۵ نفری+یک کلاس ۲۷ نفری) و در کل برابر با ۹۷ نفر بودند که بر اساس نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده این پژوهش، روبریک درس نگارش بود. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از شاخص‌های مرکزی و شاخص‌های پراکندگی استفاده شد. طرح پژوهش از نوع بررسی‌های ارزیابانه بود. پس از اخذ نمونه نگارش‌های دانش‌آموزان نسبت به نمره‌گذاری آنها بر اساس روبریک محقق ساخته ویژه‌ی نگارش دوره‌ی دوم دبستان اقدام شد. نتایج تحلیل آماری نشان داد که میانگین نمره نگارش دانش‌آموزان دبستانی، پایین‌تر از تسلط نسبی و در حد تسلط محدود و نسبتاً ضعیف قرار دارد ($M=12/65$). می‌توان نتیجه گرفت که مهارت نگارش دانش‌آموزان همچون مهارت خوانداری آنان ضعیف می‌باشد و

* دکتری تخصصی تکنولوژی آموزشی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

** استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ebrahim.talae@gmail.com

*** استاد، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

**** دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

***** دکتری تخصصی مدیریت آموزشی، آموزش و پرورش ناحیه ۴، اهواز، ایران

شاید این ضعف ریشه در ضعف خوانداری آنان و/ یا طراحی نامناسب برنامه درسی و کم‌توجهی به رویکردهای دیگر از قبیل رویکرد فرهنگی-اجتماعی دارد.

واژه‌های کلیدی: مهارت نگارش، رویکرد نگارش، دوره‌ی دبستان، مطالعه ارزیابانه

مقدمه

نوشتن، به عنوان عالی‌ترین و پیچیده‌ترین مهارت‌های چهارگانه‌ی زبان، مهارتی است که از طریق آن، شخص می‌تواند اندیشه‌ها، باورها، احساسات و تجربه‌های دیداری، شنیداری و خوانداری خویش را به صورت نوشتار درآورد. مهارت نوشتن به نویسنده، این امکان را می‌دهد تا در مورد مطالبی که می‌خواهد بنویسد، تفکر کند و نوشته‌های خود را پیرایش و ویرایش کند. نویسنده هر چه در به‌کارگیری هنجارهای نگارشی توانا تر باشد، مطلبی که می‌نویسد، منسجم‌تر خواهد بود و پیام او شفاف‌تر و روشن‌تر به خواننده انتقال خواهد یافت (Research organization and educational planning, 2017).

پژوهش‌ها بر اهمیت مهارت‌های خواندن و نوشتن در دوره ابتدایی صحنه می‌گذارند و صاحب‌نظران بر این موضوع تاکید دارند که توانایی‌های چهارگانه زبانی از ابزارهای کلیدی برقراری ارتباط و زیربنای فعالیت‌های آدمی هستند، و بخش قابل‌توجهی از فرایند تبادل افکار، احساسات، اطلاعات و دانش بشری، رمزگشایی کلمات و متن‌های ناآشنا، دستیابی به ذخایر بی‌انتهای تجربه‌ی بشری، کسب آداب و مهارت‌های اجتماعی مانند تعامل با دیگران، تشکر و قدردانی، گوش‌دادن به دیگران و انتقال فکر به وسیله‌ی این توانایی‌ها انجام می‌گیرد. علاوه بر آن، یادگیری زبان و به‌ویژه مهارت خواندن و نوشتن، ابزار یادگیری دانش‌آموزان در حوزه‌های مختلف مانند ریاضی، علوم، جغرافی، تاریخ و غیره، تفکر و حل مسئله، رشد مهارت‌ها و توانایی تحصیلی کودکان، یا به تعبیری دقیق‌تر، کلید تمام یادگیری‌ها هم به‌شمار می‌آید (Wild, et al., 2008; Pitan, 2017). بنابراین یادگیری زبان و مهارت‌های زبانی به‌ویژه مهارت نگارش می‌تواند آینده تحصیلی و اجتماعی فرد را تضمین و عدم یادگیری آن سبب شکست تحصیلی یا اجتماعی دانش‌آموز در آینده شود. زیرا این مهارت، یک مهارت اساسی است که بر بخش‌های دیگر زندگی دانش‌آموزان تأثیرگذار است.

ایجاد زمینه برای خواندن، نوشتن و درک درست، نیازمند اتخاذ راهکارهای نو است که فراگیران را به عنوان نیروهای کار آینده در نظر می‌گیرد (Khazaie & Mashhadi, 2021).

همچنین مهارت‌های نگارشی مستقیماً برای یادگیری مستمر در همه حوزه‌های دانشگاهی، ارتباطات و خود- ابرازی حائز اهمیت می‌باشند. همچنین اعتماد به نفس ناشی از مهارت‌های نگارشی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا در برقراری ارتباط، درک برنامه‌ی درسی اصلی و استانداردهای یادگیری به گونه‌ی مؤثرتری عمل کنند و به آنها اجازه می‌دهد که دانش خود را در طول برنامه درسی نشان دهند تا نگرانی‌های خود را به روشی ابراز کنند که این خود به درک شخصی بیشتر آنها منجر شود. آشکار است که دست نیافتن به این مهارت- که آموزش آن از سطح پایه تا رسیدن به سطوح عالی به منظور ورود به دانشگاه و بازار کار در همه‌ی کشورهای جهان به عهده‌ی آموزش و پرورش است - علاوه بر ایجاد ناتوانی در سبک زندگی و حل مسائل شهروندی، مشکلات جدی برای ارتباط با جهان و آینده‌ی علمی افراد و حتی جامعه ایجاد خواهد کرد.

یکی از بحران‌های بزرگ نظام آموزشی در کشورهای مختلف، بویژه کشورهای جهان سوم، مسئله‌ی افت و شکست تحصیلی است که از دیرباز مورد توجه مسئولان آموزشی بوده و امروزه نیز از مهمترین مسائل آموزش و پرورش به‌شمار می‌رود. بسیاری از مربیان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و... بر حسب دیدگاه‌های خاص خود به این مسئله نگرسته‌اند و تعاریف گوناگونی نیز از آن ارائه داده‌اند که وجه مشترک همه‌ی آنها، ناتوانی و شکست در انجام و اتمام موفقیت‌آمیز دوره تحصیلات رسمی است (Maleki, 2000). با توجه به این مسئله یکی از محورهای اصلی پژوهش‌ها در دو قرن اخیر، بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و پیشگیری از افت تحصیلی و عوارض ناشی از آن، بوده است (Farid & Ashrafzade, 2020). در این میان مهارت‌های خواندن و نوشتن دارای بیشترین اهمیت هستند زیرا بدون توجه به این مهارت‌ها، پرداختن به دیگر مهارت‌ها همچون مهارت‌های ریاضی و مهارت‌های مربوط به علوم و پژوهش با مشکل جدی مواجه خواهند بود.

یکی از مهم‌ترین آزمون‌های بین‌المللی مربوط به مهارت خواندن- و مهارت نگارش بطور غیرمستقیم- که می‌تواند در فراهم آوردن دیدی نسبتاً روشن مؤثر باشد، آزمون پرلز (سواد خواندن) است. نتایج کسب شده توسط دانش‌آموزان ایرانی نشان‌دهنده‌ی ضعف در مهارت خواندن و به تبع آن مهارت نگارش است؛ چون خواندن پیش‌نیاز نوشتن است و مادامی که دانش‌آموزان در خواندن ضعف دارند، بدون شک در نگارش نیز ضعیف عمل خواهند کرد.

باید خاطر نشان ساخت که رویکرد مربوط به آموزش نگارش در نظام آموزش و پرورش در دوره‌ی ابتدایی، اغلب یک رویکرد رشدی است. رویکردی که لازم است در کنار رویکرد رشدی به آن توجه خاص شود، رویکرد فرهنگی- اجتماعی است. براساس این رویکرد، اعمال و رفتار انسان در یک فضای فرهنگی رخ می‌دهد و درک و فهم رفتار وی بدون توجه به این فضا امکان‌پذیر نیست (Palincsar, 1998).

با اینکه در مورد وضعیت مهارت نوشتن در مقطع ابتدایی پژوهش‌هایی هر چند محدود صورت گرفته، اما این پژوهش‌ها متأسفانه اطلاعات روشن، دقیق، و جامعی آنگونه که باید در مورد وضعیت موجود مهارت نوشتن و چندی چون آن در مقطع دبستان برای ما فراهم نمی‌آورند تا بر اساس این اطلاعات، در صورت وجود ضعف در مهارت گفته شده، اقدامات لازم صورت گیرد.

در محدود پژوهش‌های انجام شده در حوزه نگارش در مقطع ابتدایی، بیشترین موضوع مورد علاقه‌ی پژوهشگران، مشکلات نوشتاری بویژه خط‌های املائی بوده است.

در بخش انشا نیز پژوهش‌هایی انجام شده است. (Faramarzi, et al. (2011 با تحقیق در مورد دانش‌آموزان دختر پنجم دبستان شهر اصفهان، تأثیر مداخله‌ی آموزشی مبتنی بر رویکرد تجربه‌ی زبانی را بر مهارت بیان نوشتاری (انشا)، مورد بررسی قرار داده است. Ahmadi and Amin-moghadasi (2001) از بررسی خود نتیجه گرفته‌اند که آموزش مهارت‌های اجتماعی باعث افزایش میانگین نمره‌ی انشای دانش‌آموزان دختر و پسر سوم ابتدایی می‌شود. همچنین یافته‌های (Salsebili (2019 درباره برنامه درسی فارسی دوره اول ابتدایی نشان می‌دهد مهارت خواندن دانش‌آموزان پایین‌تر از سطح تسلط نسبی (خوب و خیلی خوب) قرار دارد. مهارت نوشتن آنها نیز در حد تسلط محدود و نسبتاً ضعیف است و دانش‌آموزان بیشترین کمبود و ضعف را از نظر تسلط بر مهارت‌های دست‌خط تحریری دارند. در پژوهش دیگر (Salsebili (2020 یافته‌ها حاکی از آن است که از نظر مهارت‌های نگارش فارسی، پیشرفت دانش‌آموزان پایه‌های اول تا سوم، بسیار پایین‌تر از تسلط نسبی و در حد تسلط محدود و نسبتاً ضعیف قرار دارد. (Vacc (1989 در پژوهشی با عنوان «ارزشیابی نگارش: بررسی نمره‌های کل‌نگر و تحلیلی چهار معلم» به این نتیجه رسید که «کیفیت و توسعه ایده‌ها» تنها ویژگی تحلیلی است که مقدار قابل‌توجهی از واریانس نمره‌های کل‌نگر را برای همه معلمان به خود اختصاص می‌دهد. نتایج پژوهش (Burgin and Hughes (2009 با عنوان «ارزیابی معتبر توانایی‌های

خواندن و نوشتن دانش‌آموزان ابتدایی و ارزیابی برنامه» حاکی از آن است که نمرات حاصل از فهرست‌های خوانداری و نمونه‌های نگارش با حداقل تغییرات در روش‌های اجرایی و نمره‌گذاری، می‌تواند به عنوان منبع قابل اعتمادی از داده‌ها برای معلمان، مدیران و سیاست‌گذاران قلمداد شود. نتایج پژوهش Casey, Miller, et al. (2016) با عنوان «ارزیابی نگارش در مدارس ابتدایی: کاهش تمرکز بر مکانیک نوشتن» نشانگر تأثیر زمانی معنی‌دار در آزمودنی‌ها برای کلمات در واحد تی در بین پایه بود. بنابراین، تجزیه و تحلیل کلمات در واحد تی نتایج امیدوارکننده‌ای را به عنوان ابزاری کارآمد برای اندازه‌گیری مهارت‌های نگارش مستقل از مکانیک به همراه داشت. (Tealr (1988) در پژوهشی با نام «ارزیابی رشدی مناسب خواندن و نوشتن در کلاس درس اوایل دوران کودکی» چنین استدلال کرد که مشاهدات غیررسمی و ارزیابی‌های نمونه عملکرد ساختاریافته از آزمون‌های استاندارد برای اندازه‌گیری یادگیری سواد در دوران کودکی مناسب‌تر هستند.

برخی دیگر از پژوهش‌های انجام شده در مورد مهارت نگارش به بررسی این مهارت در مقاطع بالاتر همچون متوسطه پرداخته‌اند. برای نمونه نتایج پژوهش Daneshghar, et al. (2017) با عنوان «ارزیابی توانایی «نوشتن» دانش‌آموختگان نظام متوسطه کشور» نشان می‌دهد که عموم دانش‌آموختگان، مهارت‌های نوشتاری لازم و معیار را دریافت نکرده و به سطح تسلط و دانش‌آموختگی دست نیافته‌اند. یافته‌های Abasi, et al. (2018) از ضعف کلی دانش‌آموختگان دوره‌ی متوسطه حکایت دارد که ریشه‌های آن را باید در دوره‌ی ابتدایی جستجو نمود. علاوه بر این، یکی از مهمترین دلایل تکرار پایه دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر، ضعف اساسی آنها در خواندن و نوشتن است. به عبارتی می‌توان گفت هرچند دانش‌آموزان در حال حاضر به مدرسه می‌روند و در خلال برنامه درسی خواندن و نوشتن می‌آموزند اما این بیشتر شامل توانایی روخوانی و رونویسی است و دانش‌آموزان به سطح مهارت در موضوع بسیار مهم خواندن و نوشتن دست پیدا نمی‌کنند.

بنابر آنچه گفته شد و با توجه به این واقعیت که تاکنون هیچ پژوهشی بطور صریح و مستقیم به بررسی وضعیت مهارت نگارش در دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی نپرداخته است، سوال پژوهش حاضر این است که: «کیفیت مهارت نوشتن دانش‌آموزان ابتدایی در دوره دوم مقطع دبستان [پایه‌های چهارم، پنجم، و ششم] در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ چگونه است؟»

با نگاهی به پژوهش‌های انجام گرفته در مورد مهارت نگارش روشن می‌شود که بر خلاف مهارت خواندن، که آگاهی دقیق و مستندی از وضعیت دانش‌آموزان در مقطع دبستان در این مهارت وجود دارد؛ وضعیت مهارت نگارش در دانش‌آموزان مقطع دبستان در هاله‌ای از ابهام است، هرچند بررسی‌هایی هرچند معدود - از جمله (Salsebili, 2010) - در این حوزه در دوره‌ی دبستان انجام شده است. از سوی دیگر آن دسته‌ی اندک از پژوهش‌های انجام شده در حوزه نگارش، بر دیکته تمرکز دارند. همین امر سبب شده که تصمیم‌گیری‌های انجام شده در مورد این مهارت متناسب با این مهارت اساسی نبوده، نتواند به اهداف موردنظر دست یابد. بنابراین انجام این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد.

روش

پژوهش حاضر از نوع مطالعه‌ی ارزیابانه^۱ است. مطالعه ارزیابانه یکی از مهمترین رویکردها در سازمان‌ها به شمار می‌رود زیرا سازمان‌ها در تلاشند تا محصولات، خدمات و فرآیندهایی را ایجاد کنند که نیازهای کاربران هدف را بیان می‌کنند.

مطالعه ارزیابانه که نام دیگر آن ارزیابی برنامه است، یک طرح تحقیق رایج است که مستلزم انجام یک ارزیابی ساختاریافته از ارزش منابع اختصاص یافته به یک پروژه یا هدف خاص است. در این روش اغلب از روش‌های تحقیق اجتماعی برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات مفید در مورد فرآیندها و محصولات سازمانی استفاده می‌کند.

این طرح به عنوان یک نوع تحقیق کاربردی، معمولاً با سناریوهای زندگی واقعی در زمینه‌های سازمانی مرتبط است. بدین معنی که پژوهشگر برای دستیابی به یافته‌های عینی پژوهش که برای ذینفعان مفید خواهد بود، باید از مهارت‌های مشترک محل کار از جمله مهارت‌های بین‌فردی و تلاش گروهی استفاده کند.

جامعه پژوهش را دانش‌آموزان پسر دوره‌ی دوم ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ تشکیل داده‌اند. نمونه پژوهش شامل سه کلاس درس (یک کلاس ۳۵ نفره پایه چهارم، یک کلاس ۳۵ نفره پایه پنجم، و یک کلاس ۲۷ نفره پایه ششم) به تعداد ۹۷ دانش‌آموز بودند که با توجه به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار پژوهش، یک رویریک ۹

مؤلفه‌ای بود که شامل مؤلفه‌های موضوع^۱، پاراگراف‌بندی^۲، سازماندهی^۳، علائم سجاوندی^۴، املا^۵ دستور زبان^۶، انتخاب واژگان^۷، ساختار جملات^۸، و طرز بیان^۹ بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، با توجه به طرح تحقیق، از شاخص مرکزی میانگین، و شاخص‌های پراکندگی انحراف معیار واریانس استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از نسخه‌ی ۲۴ نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس (SPSS) استفاده شد.

روبریک ویژه‌ی ارزیابی نگارش دانش‌آموزان در دوره‌ی دبستان

ارزشیابی یکی از با اهمیت‌ترین عوامل موجود در فرآیند یاددهی و یادگیری به‌شمار می‌رود (Ghorbankhan, et al., 2020). یکی از ابزارهایی که می‌تواند در دستیابی به اطلاعات دقیق‌تر در مورد وضع موجود مهارت نگارش در مقطع دبستان در میان دانش‌آموزان ابتدایی کمک‌کننده باشد، دستورالعمل ارزشیابی نگارش (روبریک) به منظور ارزیابی دقیق‌تر نمونه نگارش‌های آنهاست.

همانطور که پیشتر بیان شد تا این لحظه هیچ روبریکی برای ارزیابی نوشته‌های دانش‌آموزان ابتدایی طراحی نشده و مورد استفاده قرار نگرفته تا بر اساس آن بتوان وضعیت دانش‌آموزان را در این مهارت سنجید. بنابراین نگارندگان خود با بررسی روبریک‌های مختلف اقدام به بومی‌سازی روبریک‌های موجود -متناسب با ویژگی‌های زبان فارسی- نموده و یک روبریک ویژه طراحی نمودند. برای اطمینان از تناسب روبریک به‌کار برده شده در پژوهش‌های خارجی با نگارش به زبان فارسی، نخست، اهداف کلی برنامه‌ی درسی آموزش زبان فارسی در دوره‌ی دبستان که در کتاب راهنمای تدریس معلم آمده فهرست شد. پس از فهرست کردن اهداف کلی برنامه‌ی درسی آموزش زبان فارسی در دوره‌ی دبستان، اهداف برنامه درسی فارسی برای مهارت نگارش -مدرج کتاب راهنمای تدریس معلم- به تفکیک پایه‌ها نیز فهرست شد تا از

-
- 1- Ideas
 - 2- Paragraphs
 - 3- Organization
 - 4- Punctuation
 - 5- Spelling
 - 6- Grammar
 - 7- Voice (word choice)
 - 8- Sentences (Sentence Structure)
 - 9- Voice

جامعیت و مانع بودن روبریک اطمینان حاصل شود. به علت حجیم بودن جدول مربوط به این قسمت، این اهداف در پیوست آمده است.

روبریک استفاده شده در پژوهش حاضر، تا حدی در بسیاری از پژوهش‌های انجام شده در مورد مهارت نوشتن در دوره‌ی دبستان در خارج از ایران مورد استفاده قرار گرفته است. برای نمونه (Andrade, et al. (2008 در پژوهشی با نام «بررسی روبریک‌ها: تأثیر یک مدل، معیارها ارزیابی روبریک-محور بر نگارش دانش‌آموزان دبستانی» روبریکی را به کار برده‌اند که شامل مؤلفه‌های موضوع، پاراگراف‌بندی، سازماندهی، قواعد نوشتن (علائم نگارشی، املا، دستور زبان)، انتخاب واژگان، ساختار جملات، و طرز بیان می‌باشد. در پژوهشی دیگر با عنوان «خودارزیابی روبریک-محور و خودکارآمدی برای نگارش» که توسط (Andrade, et al. (2009 انجام گرفت دوباره روبریک بکار گرفته شده در پژوهش قبلی‌شان که ذکر آن رفت، مورد استفاده قرار گرفت. روبریک استفاده شده در پژوهش (Popp, et al. (2003 تحت عنوان «عملیاتی‌سازی روبریک: تأثیر انتخاب معیارها بر کیفیت ارزیابی شده نگارش» شامل مؤلفه‌های موضوع، سازماندهی، انتخاب واژگان، طرز بیان، روانی جملات^۱، و قواعد نگارش (علائم نگارشی، املا، دستور زبان) می‌باشد.

پس از مطالعه دقیق انواع نگارش-روایتی، توصیفی، توضیحی، و استدلالی- و روبریک‌های ویژه‌ی آنها و همچنین بررسی روبریک‌های مربوط به نگارش، از تناسب روبریک موردنظر که روبریکی برای مهارت نگارش در دوره‌ی دوم دبستان (پایه‌های چهارم، پنجم، و ششم) است، با نگارش به زبان فارسی اطمینان حاصل شد و این روبریک در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفت. به علت محدودیت مربوط به تعداد صفحات مقاله و فضاگیر بودن روبریک، این روبریک در قسمت پیوست آمده است.

نمره‌گذاری نمونه نگارش‌های دانش‌آموزان به این روش بود که به هر یک از مؤلفه‌های روبریک ۲/۲۰ نمره از ۲۰ نمره اختصاص می‌یافت (۲۰/۹=۲/۲۰) هر مؤلفه دارای چهار سطح «نیازمند تلاش»، «قابل قبول»، «خوب»، و «بسیار خوب» بود که به هر یک از این سطح ۰/۵۵ نمره اختصاص می‌یافت (۲/۲۰×۴=۰/۵۵). به بیان دیگر، آزمون‌شونده در صورت داشتن مهارت نگارشی خوب، همه‌ی نمره‌ی آن مؤلفه (یعنی ۲/۲۰) را کسب می‌کرد و در صورت

نداشتن مهارت نگارشی خوب، کمترین میزان نمره (یعنی ۰/۵۵) را کسب می‌کرد. سطوح میانی نمره برای هر مؤلفه به ترتیب از زیاد به کم شامل ۱/۶۵ و ۱/۱۰ می‌شد. نمره نهایی نگارش هر دانش‌آموز از مجموع نمره‌های کسب‌شده در هر مؤلفه به دست می‌آمد. روایی روبریک مورد استفاده، توسط چهار نفر از کارشناسان رشته زبان و ادبیات فارسی از طریق برگزاری مجموعه‌ای از جلسات مشاوره تخصصی از نظر روایی صوری و محتوایی مورد تایید قرار گرفت. همچنین پایایی روبریک مورد بحث، از طریق روش توافق درونی ارزیابان^۱ محاسبه شد. برای این منظور ۱۰ درصد از نمونه نوشته‌های دانش‌آموزان توسط سه ارزیاب بر اساس روبریک طراحی شده مورد ارزیابی قرار گرفت و در نهایت ضریب کاپای^۲ میان نمرات به دست آمده محاسبه شد. قبل از محاسبه نهایی این ضریب، کج‌فهمی و عدم توافقات بین ارزیابان از طریق بحث برطرف شد. نتایج حاصل حاکی از ۷۶ درصد توافق بین ارزیابان بود.

یافته‌ها

در این بخش مطابق پرسش پژوهش، به تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها پرداخته می‌شود. همانطور که اشاره شد، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از شاخص گرایش مرکزی و شاخص‌های پراکندگی استفاده شد.

تحلیل پرسش یکم: «کیفیت مهارت نوشتن دانش‌آموزان ابتدایی در پایه چهارم دبستان چگونه است؟»

برای تحلیل این پرسش به استخراج داده‌های توصیفی پرداخته شد. جدول ۱ نتایج این تحلیل را نشان می‌دهد.

داده‌های جدول ۱ روشن می‌سازد که میانگین نمره‌ی نگارش دانش‌آموزان پایه چهارم ۱۳/۰۰ می‌باشد. این نشان می‌دهد که کیفیت نگارش دانش‌آموزان این پایه، پایین‌تر از تسلط نسبی و در حد تسلط محدود و نسبتاً ضعیف است. همچنین همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود مؤلفه‌های «پاراگراف‌بندی» و «سازماندهی» به ترتیب با میانگین‌های ۰/۷۸ و ۰/۸۳ دارای کمترین میانگین و مؤلفه‌های «املا» و «دستور زبان» به ترتیب با میانگین‌های ۲/۱۰ و

1- inter-rater agreement

2- Kappa

۲/۰۲ دارای بیشترین میانگین هستند. این میانگین‌ها نشان می‌دهد که دانش‌آموزان پایه چهارم در مؤلفه‌های «پاراگراف‌بندی» و «سازماندهی» تا رسیدن به سطوح مطلوب (نمره ۲/۲۰ یا نمرات نزدیک به آن) فاصله‌ی زیادی دارند. اما در مؤلفه‌های «املا» و «دستور زبان» در وضعیت خوب و مطلوبی قرار دارند.

جدول ۱. آمارهای مرکزی و پراکندگی دانش‌آموزان پایه چهارم دبستان در مهارت نگارش

Table 1. central and dispersion indices of Iranian fourth grade students

بیشترین نمره Maximum score	کمترین نمره Minimum score	واریانس variance	انحراف معیار Standard deviation	میانگین mean	تعداد Number	مؤلفه Component
1.65	0.55	0.10	0.32	0.97	35	موضوع (ایده)
1.65	0.55	0.11	0.33	0.78	35	پاراگراف بندی
1.65	0.55	0.11	0.33	0.83	35	سازماندهی
2.22	0.55	0.16	0.40	1.68	35	علائم سجاوندی
2.22	1.10	0.07	0.26	2.10	35	املا
2.22	1.10	0.09	0.30	2.02	35	دستور زبان
2.22	0.55	0.11	0.34	1.63	35	انتخاب واژگان
2.22	0.55	0.10	0.32	1.54	35	ساختار جملات
2.22	0.55	0.14	0.38	1.41	35	طرز بیان
17.72	7.15	3.78	1.94	13.00	35	نمره کلی نگارش

تحلیل پرسش دوم: «کیفیت مهارت نوشتن دانش‌آموزان ابتدایی در پایه پنجم دبستان چگونه است؟»

برای تحلیل این پرسش به استخراج داده‌های توصیفی پرداخته شد. جدول ۲ نتایج این تحلیل را نشان می‌دهد.

داده‌های جدول ۲ روشن می‌سازد که میانگین نمره‌ی نگارش دانش‌آموزان پایه پنجم ۱۲/۶۳ می‌باشد. این نشان می‌دهد که کیفیت نگارش دانش‌آموزان این پایه، پایین‌تر از تسلط نسبی و در حد تسلط محدود و نسبتاً ضعیف است. همچنین همانگونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود مؤلفه‌های «پاراگراف‌بندی» و «سازماندهی» به ترتیب با میانگین‌های ۰/۸۹ و ۰/۹۹ دارای کمترین میانگین و مؤلفه‌های «املا» و «ایده» به ترتیب با میانگین‌های ۲/۰۴ و ۱/۹۶ دارای بیشترین میانگین هستند. این میانگین‌ها نشان می‌دهد که دانش‌آموزان پایه پنجم در

مؤلفه‌های «پاراگراف‌بندی» و «سازماندهی» تا رسیدن به سطوح مطلوب (نمره ۲/۲۰ یا نمره‌های نزدیک به آن) فاصله‌ی زیادی دارند. اما در مؤلفه‌های «املا» و «ایده» در وضعیت خوب و مطلوبی قرار دارند.

جدول ۲. آمارهای مرکزی و پراکنندگی دانش‌آموزان پایه پنجم دبستان در مهارت نگارش

Table 2. central and dispersion indices of Iranian fifth grade students

بیشترین نمره Maximum score	کمترین نمره Minimum score	واریانس variance	انحراف معیار Standard deviation	میانگین mean	تعداد Number	مؤلفه Component
2.22	0.55	0.20	0.45	1.96	35	موضوع (ایده)
1.65	0.55	0.10	0.32	0.89	35	پاراگراف‌بندی
1.65	0.55	0.12	0.34	0.99	35	سازماندهی
2.22	0.55	0.22	0.47	1.19	35	علائم سجاوندی
2.22	1.10	0.09	0.30	2.04	35	املا
2.22	0.55	0.15	0.39	1.92	35	دستور زبان
2.22	1.10	0.19	0.34	1.63	35	انتخاب واژگان
2.22	0.55	0.11	0.33	1.38	35	ساختار جملات
2.22	0.55	0.13	0.36	1.36	35	طرز بیان
17.17	8.25	5.39	2.32	12.63	35	نمره کلی نگارش

تحلیل پرسش سوم: کیفیت مهارت نوشتن دانش‌آموزان ابتدایی در پایه ششم دبستان چگونه است؟"

برای تحلیل این پرسش به استخراج داده‌های توصیفی پرداخته شد. جدول ۳ نتایج این تحلیل را نشان می‌دهد.

داده‌های جدول ۳ روشن می‌سازد که میانگین نمره‌ی نگارش دانش‌آموزان پایه ششم ۱۲/۳۳ می‌باشد. این نشان می‌دهد که کیفیت نگارش دانش‌آموزان این پایه، پایین‌تر از تسلط نسبی و در حد تسلط محدود و نسبتاً ضعیف است. همچنین همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود مؤلفه‌های «ساختار جملات» و «پاراگراف‌بندی» به ترتیب با میانگین‌های ۱/۰۱ و ۱/۰۳ دارای کمترین میانگین و مؤلفه‌های «املا» و «دستور زبان» (بطور برابر) و «انتخاب واژگان» به ترتیب با میانگین‌های ۱/۹۴ و ۱/۵۱ دارای بیشترین میانگین هستند. این میانگین‌ها نشان می‌دهد که دانش‌آموزان پایه پنجم در مؤلفه‌های «پاراگراف‌بندی» و «سازماندهی» تا

رسیدن به سطوح مطلوب (نمره ۲/۲۰ یا نمره‌های نزدیک به آن) فاصله‌ی زیادی دارند. اما در مؤلفه‌های «املا» و «آیده» در وضعیت خوب و مطلوبی قرار دارند.

جدول ۳. آمارهای مرکزی و پراکنندگی دانش‌آموزان پایه ششم دبستان در مهارت نگارش

Table 3. central and dispersion indices of Iranian sixth grade students

بیشترین نمره Maximum score	کمترین نمره Minimum score	واریانس variance	انحراف معیار Standard deviation	میانگین mean	تعداد Number	مؤلفه Component
2.20	0.55	0.19	0.43	1.20	35	موضوع (آیده)
2.20	0.55	0.21	0.46	1.03	35	پاراگراف بندی
2.20	0.55	0.19	0.44	1.08	35	سازماندهی
2.20	0.55	0.22	0.46	1.42	35	علائم سجاوندی
2.20	1.65	0.84	0.29	1.94	35	املا
2.20	1.10	0.10	0.32	1.94	35	دستور زبان
2.20	0.55	0.18	0.42	1.51	35	انتخاب واژگان
1.65	0.55	0.13	0.36	1.01	35	ساختار جملات
2.20	0.55	0.14	0.38	1.16	35	طرز بیان
19.41	7.15	8.54	2.92	12.33	35	نمره کلی نگارش

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مطالعه مهارت نوشتن در دوره‌ی دوم دبستان انجام گرفت. با استناد به نتایج مطالعه حاضر می‌توان نتیجه گرفت که کیفیت مهارت نگارش در بین دانش‌آموزان دوره‌ی دوم دبستان چندان مطلوب نیست (میانگین ۱۲/۶۵). لازم به ذکر است که این ضعف در برخی مؤلفه‌ها همچون سازماندهی، پاراگراف‌بندی، و ساختار جملات نسبت به سایر مؤلفه‌ها بیشتر است. باید خاطر نشان ساخت که نمره‌ی اختصاص یافته به مؤلفه‌های روبریک به کار برده شده در این پژوهش، نمره‌ای یکسان بود و در صورت اختصاص نمره متفاوت به هر مؤلفه، قطعا نمره‌ی کسب شده توسط دانش‌آموزان، نمره‌ای به مراتب ضعیف‌تر از آن چیزی می‌بود که در این بررسی گزارش شده است. این نتیجه همسو با نتیجه‌ی پژوهش Salsebili (2019) است که در آن روشن گردید از نظر مهارت‌های نگارش فارسی، پیشرفت دانش‌آموزان پایه‌های اول تا سوم، بسیار پایین‌تر از تسلط نسبی و در حد تسلط محدود و نسبتا ضعیف قرار دارد. این نتیجه‌ی نه‌چندان مطلوب دانش‌آموزان دوره‌ی دبستان در مهارت نگارش

تا حدی مؤید نمرات کسب‌شده‌ی دانش‌آموزان ایرانی در آزمون بین‌المللی مهارت خواندن (پرلز) است.

در تبیین نتایج پژوهش حاضر باید گفت که مهارت خواندن، پیش‌نیاز مهارت نوشتن است و مادامی‌که دانش‌آموزان در این مهارت ضعف داشته باشند، این انتظار که آنان در مهارت نوشتن وضعیت مطلوبی داشته باشند، چندان منطقی به‌نظر نمی‌آید. همچنین بر اساس مدل Palmer (2010) پیش‌نیازهای نوشتن شامل دو نوع پیش‌نیازهای در سطح متن -شامل یادگیری محتوای برنامه درسی و سازماندهی محتوای نگارش- و پیش‌نیازهای در سطح جمله -شامل خواندن انواع متون و گفت‌وگو به زبان نوشتاری- است. بنابراین تا زمانی که دانش‌آموز در مهارت خواندن ضعف دارد، در نوشتن نیز خوب عمل نخواهد کرد.

به عنوان تبیینی دیگر می‌توان گفت که موفقیت در خواندن و نوشتن کاملاً وابسته به یک بنیاد زبان شفاهی کافی و مناسب است. تا زمانی که این بنیاد فراهم نباشد در خواندن و نوشتن دانش‌آموزان پیشرفتی حاصل نخواهد شد.

ضعف در مهارت‌های نگارشی دانش‌آموزان تا حدود زیادی ناشی از ضعف‌های روشی و پداگوژیک معلمان در اجرای برنامه درسی فارسی، به خصوص کاستی در ایجاد موقعیت‌های مناسب یادگیری همچون بندنویسی و فعالیت‌های هدفمند نوشتاری، عدم استفاده از منابع متنوع در آموزش، زمان‌بندی نادرست فعالیت‌ها برای تقویت نوشتن، عدم توجه به تمرین‌ها و تجربیات غنی نوشتاری و مبتنی بر تفکر خلاق و کل‌نگری در یادگیری است. بنابراین رفع این ضعف‌ها و تقویت توانایی نوشتاری و نگارش کودکان، تدوین و اجرای دوره‌های آموزشی تکمیلی توسط معاونت و دفاتر ذیربط در آموزش و پرورش برای معلمان ضروری است (Salsebili, 2019). همچنین (Sawaki, et al. (2013) دلایل ضعف دانش‌آموزان در نگارش را اغلب مربوط به سه مقوله درک، واژگان سازنده، و قواعد جمله می‌دانند. بنابراین لازم است به مؤلفه‌های مذکور اهمیت لازم داده شود

یافته‌های به‌دست آمده از برنامه درسی طراحی و تدوین شده فارسی دوره ابتدایی، از توجه محدود و کم به کل‌نگری با توجه به معیارهای برگرفته از مبنای نظری کل‌نگری و همچنین معیارهای در نظر گرفته‌شده در برنامه درسی طراحی شده فارسی دوره ابتدایی حکایت می‌کند. برداشت از کل‌نگری در این برنامه درسی تدوین شده و کتاب‌های درسی تألیف شده، برداشتی

محدود در حوزه‌ی کل‌نگری است. آموزش‌ها در طول سال تحصیلی، با توجه به محدودیت‌های روشی و آموزشی موجود، تأثیر قابل‌توجهی در تقویت کل‌نگری دانش‌آموزان ایجاد نمی‌کنند (Salsebili, 2010). این برداشت محدود، قطعاً منجر به ضعف در مهارت‌های زبانی، از جمله نگارش می‌شود. از سوی دیگر، نظام‌های آموزشی متمرکز، فرصت کمتری برای درگیر شدن و به‌دست آوردن حمایت جامعه‌ی محلی دارند (Pace, 1995). از آنجایی که نظام آموزشی ما یک نظام متمرکز است، مدارس ما هم کمتر به مفهوم کل‌نگری در زبان توجه دارند.

همچنین از آنجایی که بخشی از دانش‌آموزان ابتدایی دوزبانه هستند، این ویژگی می‌تواند بر عملکرد آنها در نگارش تأثیر بگذارد و عملکرد آنها را تضعیف کند؛ زیرا با توجه به زبان مادری دانش‌آموز و لهجه‌ی او در ادای کلمات، ممکن است عملکرد او در برخی از مؤلفه‌های نوشتن پایین‌تر از سطح مطلوب باشد.

همچنین از دلایل دیگر ضعف دانش‌آموزان در مهارت نگارش می‌توان به تمرکز مریبان بر روی اشکال نحوی در مقایسه با اشکال معنایی، روش‌های تدریس ناکارآمد و عدم تمایل به تدریس درس نگارش اشاره کرد (Alghammas, 2020). در برخی مواقع مشاهده می‌شود که معلمان ساعت درس نگارش را به دروسی همچون ریاضی اختصاص می‌دهند زیرا بر این باورند که اهمیت نگارش از ریاضی کمتر می‌باشد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر، می‌توان به عدم لحاظ کردن دانش‌آموزان دختر اشاره کرد. این امر باعث می‌شود که در تعمیم نتایج به‌دست آمده به جامعه‌ی دختران با احتیاط عمل کنیم. در پایان جهت بهبود کیفیت مهارت نگارش در دوره‌ی دبستان چند پیشنهاد ارائه می‌شود: برای دانش‌آموزانی که دارای مشکلات خوانداری یا نوشتاری هستند، در کنار بسته‌ی برنامه‌ی درسی زبان‌آموزی، مجموعه‌ی متنوعی از کتاب‌های قرائتی اضافی، مجله‌های خواندنی و مواد یاددهی ترمیمی تدوین و در دسترس مدارس قرار گیرد.

همچنین برای مناطق دوزبانه، در انتخاب و تنظیم محتوا و روش آموزش مهارت‌های زبانی زبان فارسی برنامه‌ی ویژه‌ای مدنظر قرار گیرد. در این مناطق از بسته‌های آموزشی مربوط به فرهنگ منطقه استفاده شود و نیز محتوایی در نظر گرفته شوند که مناسب آن منطقه باشد. افزون‌براین، این آزادی عمل برای معلمان در مناطق دوزبانه وجود داشته باشد که خود با توجه به نیازهای منطقه و دانش‌آموزان، محتوا و بسته‌ی برنامه‌ی درسی را تعدیل و/یا بازطراحی کنند.

همچنین در موقعیت‌ها و فعالیت‌های یادگیری کتاب‌های خوانداری و نوشتاری در جهت ایجاد زمینه‌ی توجه و تأکید بیشتر روی فعالیت‌هایی که تشویق‌کننده‌ی سخن گفتن و گوش دادن هستند، برنامه‌ریزی مجددی صورت گیرد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، جامعه آماری پژوهش را به چندین استان افزایش داد تا با اطمینان بیشتری بتوان یافته پژوهش را تعمیم داد. همچنین دلایل ضعف دانش‌آموزان در انواع نگارش به تفکیک انواع آن (شامل نگارش توصیفی، روایتی، توضیحی، و استدلالی) مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد. به عنوان پیشنهاد آخر، بهتر است جدای از رویکرد روانشناسانه به آموزش نگارش، از رویکردها و پارادیم‌های دیگر همچون رویکرد فرهنگی-اجتماعی و نظریه‌های ذیل آن همچون نظریه‌ی فرهنگی-تاریخی فعالیت به آموزش نگارش پرداخت و محیط یادگیری را بر اساس این رویکردها طراحی نمود.



سهم مشارکت نویسندگان: در پژوهش حاضر نویسنده دوم، نظارت و راهبردی روند کلی پژوهش و تدوین و نهایی‌سازی اصلاحات مقاله را بر عهده داشته‌اند. نویسنده اول در تدوین طرح تحقیق، فرآیند گردآوری، تحلیل و تفسیر یافته‌ها و نگارش متن مقاله را برعهده داشته و در مجموع نتیجه‌گیری از یافته‌ها و بسط و تفسیر به صورت مشترک و با بحث و تبادل نظر کلیه همکاران و با همراهی نویسنده سوم، چهارم، و پنجم انجام شد.

تضاد منافع: نویسندگان اذعان دارند که در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

منابع مالی: پژوهش حاضر از هیچ موسسه و نهادی حمایت مالی دریافت نکرده و کلیه هزینه‌ها در طول فرآیند اجرای پژوهش بر عهده پژوهشگران بوده است.

تشکر و قدردانی: پژوهش حاضر بدون همکاری مشارکت کنندگان امکان‌پذیر نبود؛ بدینوسیله از کلیه مشارکت کنندگان تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

References

- Abasi, Z., Daneshgar, M., & Khosravi, A. (2018). Analysis of reading problems of high school graduates in Tehran based on AMZA test data (according to the variables of gender and field of study). *Language Related Research*, 10(6), 173-204. [Persian]
- Ahmadi, S. A., & Amin-moghadasi, S. (2001). The effect of social skills training on composition in 3rd grade elementary students. *Quarterly Journal of Education*, 66, 95-106. [Persian]
- Alghammas, A. (2020). The weaknesses of English writing skills among undergraduate Saudi students majoring in English at Qassim University: A perspective of English faculty. Available at SSRN 3621267.
- Andrade, H. L., Du, Y., & Wang, X. (2008). Putting rubrics to the test: The effect of a model, criteria generation, and rubric-referenced self-assessment on elementary school students' writing. *Educational Measurement: Issues and Practice*, 27(2), 3-13.
- Andrade, H. L., Wang, X., Du, Y., & Akawi, R. L. (2009). Rubric-referenced self-assessment and self-efficacy for writing. *The Journal of Educational Research*, 102(4), 287-302.
- Burgin, J., & Hughes, G. D. (2009). Credibly assessing reading and writing abilities for both elementary student and program assessment. *Assessing Writing*, 14(1), 25-37.
- Casey, L. B., Miller, N. D., Stockton, M. B., & Justice, W. V. (2016). Assessing writing in elementary schools: Moving away from a focus on mechanics. *Language Assessment Quarterly*, 13(1), 42-54.
- Daneshghar, M., Qayasi Zarej, A., Ashraghi, Z., Haeri, A. A., Mohamadi, S. (2017). Assessing the ability to "write" in graduates of the high school student. *Literary Research*, 14(55), 37-60. [Persian]
- Faramarzi, S., Karamalian, H., & Nasrollahi, S. (2011). The effect of educational intervention based on language experience approach on students' written expression skills (essay). *New Educational Approaches*, 6 (2), 41-60. [Persian]
- Farid, A., & Ashrafzade, T. (2020). A Meta-Analysis of the Relationship Self-Efficacy and Academic Performance. *Journal of Educational Sciences (JEDUS)*, 27(2), 69-90. [Persian]
- Ghorbankhan, M., Salehi, K., Moghaddam Zadeh, A. (2020) Construction of a Standardized Questionnaire to Detect the Pseudo Evaluation in Elementary Schools. *Journal of Educational Sciences (JEDUS)*, 27(2), 91-116. [Persian]
- Khazaie, S., & Mashhadi, A. (2021). From Secondary Education to the Healthcare Fields: Exploring the Feasibility of English Content-based

- Instruction of Reading Sciences along with Games for Lifelong Learning. *Journal of Educational Sciences (JEDUS)*, 28(1), 23-42. [Persian]
- Maleki H. (2000). The program curriculum. Mashhad: publishing payame andisheh. [Persian]
- Pace, G. (1995). Whole Learning in the Middle School: Evolution and Transtion. Norwood, MA: Christopher - Gordon Publishers, Inc
- Palincsar, A. S. (1998). Social constructivist perspectives on teaching and learning. *Annual Review of Psychology*, 49(1), 345-375.
- Palmer, S. (2010). How to teach writing across the curriculum: Ages 8-14. Routledge.
- Pitan, O. S. (2017). Graduate employees' generic skills and training needs. Higher Education, Skills and Work-Based Learning.
- Popp, S. E. O., Ryan, J. M., Thompson, M. S., & Behrens, J. T. (2003). Operationalizing the Rubric: The Effect of Benchmark Selection on the Assessed Quality of Writing. Paper presented at the Annual Meeting of the American Educational Research Association (Chicago, IL, April 21-25, 2003).
- Research organization and educational planning. (2017). 3rd grade Persian writing book. Administration of Supervision on publication and distribution of educational materials. [Persian]
- Salsebili, N. (2010). Evaluation of the designed, compiled and implemented Persian curriculum in elementary school (reading and writing) based on attention to holistic criterion in teaching linguistic skills. *Quarterly Journal of Educational Innovation*, 33(9), 8-46. [Persian]
- Salsebili, N. (2019). Evaluation of the implemented Persian curriculum in the 1st grade elementary school. *Quarterly Journal of Curriculum Studies*, 14(55), 141-176. [Persian]
- Salsebili, N. (2020). Study of the Results of Evaluation Acquired Persian Curriculum in the Elementary School: Strengths and Weaknesses of Students in Acquiring Linguistic Learning Skills. *Quarterly Journal of Educational Innovation*, 74(19), 105-134. [Persian]
- Sawaki, Y., Quinlan, T., & Lee, Y. W. (2013). Understanding learner strengths and weaknesses: Assessing performance on an integrated writing task. *Language Assessment Quarterly*, 10(1), 73-95.
- Taremi, T., & Rafiee, A. (2013). Comparison of the degree of adaptation in written and spoken form in Persian and English. *Iranian Journal of Comparative Linguistic Research*, 3(5), 23-29. [Persian]
- Teale, W. H. (1988). Developmentally appropriate assessment of reading and writing in the early childhood classroom. *The Elementary School Journal*, 89(2), 173-183.

- Vacc, N. N. (1989). Writing evaluation: Examining four teachers' holistic and analytic scores. *The Elementary School Journal*, 90(1), 87-95.
- Wild, M. D., Mayeaux, A. S., & Edmonds, K. P. (2008). *Teamwork: Setting the Standard for Collaborative Teaching, Grades 5-9*. Stenhouse Publishers.

